

توصیف دولتخانه و کاخ‌ها و باغ‌های صفوی در منظومه‌های عبدی‌بیگ نویدی، شاعر دوران شاه تهماسب اوّل

احسان اشراقی

استاد بازنشسته دانشگاه تهران

چکیده

شاه اسمعیل اول مؤسس دولت صفوی پایتخت خود را در شهر تبریز قرار داد. وقوع جنگ‌های مکرر بین ایران و عثمانی که موجب صدمات و خرابی‌های فراوان در تبریز و بعضی از شهرهای آذربایجان گردید، شاه تهماسب جانشین شاه اسمعیل را بر آن داشت که پایتخت را از تبریز به جای دورتر و امن‌تری انتقال دهد و برای انجام این امر شهر قزوین را که از نظر جغرافیایی و خطوط ارتباطی از موقعیت ممتازی برخوردار بود، به پایتختی برگزید و در آنجا دولتخانه‌ای بنا کرد شامل کاخ‌ها و باغ‌ها و میدان‌ها و دیگر تأسیساتی که در خور پایتختی عالی برای دولت صفوی بود. امروز از آن همه بناها و باغ‌ها چیزی به جز عمارت چهلستون و سردرب فاخر عالی‌قاپو باقی نمانده است اما تصویر دل‌انگیزی که عبدی‌بیگ نویدی شاعر معاصر شاه تهماسب از این دولتخانه در خمسه‌ای که آن را «جنّات عدن» نام نهاده در منظر ما قرار می‌دهد، روایتی است چهارصدساله از یک دارالسلطنه کم‌نظیر عصر صفوی.

در سال ۱۵۵۳/۹۶۱، شاه تهماسب اول تصمیم گرفت پایتخت دولت صفوی را از تبریز به قزوین انتقال دهد. از دلایل این تصمیم، دور ساختن پایتخت از خطر تهاجمات مکرر عثمانی و در عین حال استقرار دولت در شهری بود که از نظر

فرهنگ، ۶۸؛ زمستان ۸۷؛ صص ۵۸-۴۱

مواصلاتی و راه‌های نظامی و بازرگانی موقعیت ممتازی داشته باشد. به همین مناسبت، به شهر قزوین مورد توجه قرار گرفت؛ و در اجرای این تصمیم، اراضی وسیعی را که در شمال شهر قدیمی قزوین قرار داشت و متعلق به یکی از مشاهیر دولتمدار موسوم به میرزا شرف جهان بود، خریداری کرد و پس از آن معماران و مهندسان و هنرمندان را از قزوین و دیگر نقاط فراخواند تا طرح شهری بزرگ و نوین را پی افکنند و در محوطه آن، عمارات عالی و ایوان‌ها و باغ‌ها و میدان‌ها برآورند و جوی‌های آب روان سازند که از حاشیه خیابان‌ها و چمنزارها به سوی استخرها و حوض‌ها بگذرد؛ و این مجموع، زینت‌بخش باغ بزرگی موسوم به باغ سعادت گردید با درخت‌های گوناگون و عرصه‌ها و گذرگاه‌ها و چمن‌های مثلث و مسدس و دروازه‌ای به غایت مرتفع مزین به کاشی‌های الوان... (قمی، ۱۳۸۳: ۳۱۲). سه سال بعد، در جمادی‌الاول سال ۹۶۵، که عمارات درونی و بیرونی و خیابان‌ها و بخش‌های مختلف دولتی در شهر جدید به اتمام رسید، به قول قاضی احمد قمی، «سواد مصر اعظمی به هم رسید و نواب کامیاب لقب آن خطه پاکیزه را باب‌الجنه نهاد، مسمی به جعفرآباد گردانیدند...» (قمی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۳۱۲).

انتخاب جعفرآباد، به یمن نام حضرت امام جعفر صادق (ع) بود و لقب باب‌الجنه در بعضی از کتب روایات به نقل از پیامبر گرامی اسلام در فضیلت شهر قزوین و اقامت در آن آمده است. ده‌ها روایتی که از مورخ و روایتگر نامدار قرن ششم قمری، عبدالکریم رافعی، در اثر معروف وی *التدوین فی اخبار قزوین* (ج ۱، ص ۲۴-۴)، و از حمدالله مستوفی (۱۳۳۶: ۷۷۳-۸۵۸) - مورخ و جغرافیادان بزرگ اوایل قرن هشتم - در فضایل و حسنات اقامت در این شهر آمده و بارها از قزوین به عنوان باب‌الجنه یاد شده، نشانگر آن است که این لقب در توصیف قزوین بر مبنای فضایل این شهر بوده است:

بابت جنت لقبش آمد و نامش بشنو جعفرآباد کزو خلق خدا آسودند

توصیف دولتخانه و کاخ‌ها و باغ‌های صفوی در... ۴۳

امروز از دولتخانه صفوی و باغ و میدان سعادت و نقاشی‌های ریز قلم در و پیکر کاخ‌ها و کوشک‌های آن به‌جز عمارت کوچک چهل ستون که به موزه شهر تبدیل شده و سردرب باشکوه عالی‌قاپو و کتیبه زیبای آن - به خط خوشنویس نامدار دوران شاه عباس اول - چیزی به جز خرابه‌های عمارات ۴۰۰ ساله آن باقی نمانده است و آخرین تخریبی که در ایون موسوم به نادری انجام گرفت، مربوط به جنگ جهانی دوم است که در دوران حضور نیروهای متفقین پس از ۱۳۲۰ شمسی در قزوین صورت گرفت. در سال‌های اخیر، به همت سازمان میراث‌های فرهنگی، توجه به این مجموعه بسیار مهم تاریخی و اقداماتی توسط این سازمان در جهت بازنگری و بازشناسی کاخ‌ها و آثار باقیمانده و تخریب‌شده این محوطه فرهنگی انجام گرفته است و می‌گیرد. باشد که با مساعی کارشناسان، با گمانه‌زنی‌های علمی و باستان‌شناسی و بررسی متون و شواهد تاریخی در داخل و خارج کشور، در زمانی نه‌چندان کوتاه، جا و مکان و چهره اصلی این مجموعه کهن از پرده فراموشی بیرون آید.

به‌نظر اینجانب، یکی از متون قدیمی مربوط به دوران شاه تهماسب اول که در قالب اشعار مفصل در چند منظومه در دست است، اثری است از عبدی‌بیگ نویدی - شاعر دوران شاه تهماسب - که به دستور این پادشاه، پس از آنکه قزوین به پایتختی انتخاب شد و شهر جدید جعفرآباد و بناهای دولتی آن به اتمام رسید، توصیفی شاعرانه از مجموعه کاخ‌ها و کوشک‌ها و خیابان‌ها و باغ‌های آن انجام داده است.

عبدی‌بیگ، در آغاز نخستین منظومه خود موسوم به *روضه‌الصفات*، چنین سروده است:

بر گل این باغ سعادت طراز بلبل اندیشه چو شد نغمه‌ساز
کلک هنرپیشه گرفتم به دست تا بکنم وصف بدین سان که هست

سیر نمودم به ریاض خیال	تا به حقیقت نگرم چیست حال
زانچه ز من پیش سخن پروران	رخش براندند به فکرت در آن
با دل خود داده یکایک قرار	آمدم اینک به سر کار و بار
از تو به فرمان علم افراختن	و ز من جانباز به سر تاختن
خسرو والا گهر دین پناه	خطه قزوین چو شدش تختگاه
رونق این خطه به حسب مراد	گشت به یمن قدم او زیاد
خاست نوای فرح از خانه‌ها	یافت عمارت همه ویرانه‌ها
مردمش از علم رخ افروختند	مذهب شیعی همه آموختند
سنی از آن شهر قدم در کشید	شیعی اثنی عشری شد پدید...

(عبدی بیگ نویدی، مقدمه کلیات، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

شرح حال عبدی بیگ، در کتاب *تکملة الاخبار* - که از تألیفات خود او است - آمده و در تذکره‌های فارسی تنها به مختصری از احوال او اشاره شده که از آن جمله *تذکره سامی* است که در آن امانت و دیانت و هنر شاعری او ستوده شده است. او کتاب *تکملة الاخبار* را در تاریخ صفویه به نثری روان تألیف کرده و آن را به پریخان خانم دختر شاه تهماسب که بانویی سیاستمدار و کاردان بود، تقدیم کرده است (*تکملة الاخبار*، نسخه خطی کتابخانه ملک، شماره ۳۸۹، مقدمه). کتاب دیگر او، *صریح الملک* نام دارد که حاوی شرح مفصلی در مورد موقوفات بقعه اردبیل و اطلاعات مبسوطی درباره جغرافیای شهر تاریخی اردبیل است و با ذکر آن که در مورد کاردانی او در امور استیفای دیوانی داشته، نشانگر آن است که وی به غیر از استعداد شاعری، در کارهای دولتی نیز از مهارت لازم برخوردار بوده است.

دیوان اشعار عبدی بیگ - که به تقلید از نظامی گنجوی شامل پنج منظومه است، حاوی *خمسه جنات عدن* در پنج منظومه است: *روضات الصفات*، *دوحة الازهار*، *جنت الانمار*، *زینة الاوراق* و *صحيفة الاخلاص*؛ که به غیر از منظومه پنجم در توصیف

توصیف دولتخانه و کاخ‌ها و باغ‌های صفوی در... ۴۵

کاخ‌ها و عمارات و باغ‌ها و تزئینات دیواری و هنر دیوارنگاری این بناها است. عبدی‌بیگ، منظومه *روضات‌الصفات* را در *بحر مخزن‌الاسرار*، *دوحة‌الازهار* را در *بحر خسرو و شیرین*، *جنت‌الثمار* را در *بحر لیلی و مجنون*، *زینة‌الاوراق* را در *بحر هفت پیکر و صحیفه‌الاحلاص* را در *بحر اسکندرنامه* نظامی سروده (اشراقی، ص ۱۳۵) و آنچه را که نظیر این منظومه در توصیف تمام کمال شکوه و جلال و جزئیات بناها و باغ‌های دولتخانه و دیگر بناهای مجاور آن، علی‌رغم خیال‌پردازی‌های شاعرانه آورده است، در هیچ اثر دیگری نمی‌توان یافت؛ که خود، کمک فراوانی است به فهم هرچه بیشتر حیات فرهنگی ایران در قرن دهم قمری / شانزدهم میلادی که با دوران رنسانس اروپا تقارن دارد.

جعفرآباد، کانون هنر و معماری

تعالی‌الله زهی شهری نوآیین به ریت رشک صورتخانه چین
بدین نام نکو معموره گشته به دارالسلطنه مشهور گشته

عبدی‌بیگ در منظومه *روضات‌الصفات*، تحت عنوان «آغاز و صافی جعفرآباد» می‌گوید:

شاه در جنب شهر قزوین طرح شهر جدیدی به نام جعفرآباد افکند. که به وسیله خیابانی به مسجد بزرگ شهر (مسجد جامع) مربوط می‌شد. دو طرف خیابان با درختان چنار و نارون آراسته شده و دو جوی آب از پای درختان، جاری و به سوی باغ سعادت روان بود. (عبدی‌بیگ نویدی، کلیات؛ ص ۳۳۵)

اکنون، با توجه به محدوده بناهای دوره صفوی، چنین به نظر می‌رسد که جعفرآباد منطقه‌ای در شمال شهر قدیمی قزوین بوده است که شاه تهماسب اراضی آن را به منظور ایجاد دارالسلطنه جدید خریداری کرده بود و مشخص است که جعفرآباد مانند شهر قدیمی، بین رودخانه ارنزک در شرق و رودخانه دیزج در غرب گسترده بود. این دو رودخانه اکنون نیز به همین نام خوانده می‌شوند. براساس کتاب

التفهیم فی اخبار قزوین عبدالکریم رافعی و نظر حمدالله مستوفی (۱۳۳۶: ۷۷۹) و دیگر جغرافیادانان، بعد از اسلام نیز نام دیزج و ارنزج آمده است. مسجدی که عبدی بیگک به آن اشاره می کند، از جعفرآباد به مسجد بزرگ منتهی می شد، ظاهراً همین مسجد جامع کبیر است که بنای آن به دوران محمدبن ملکشاہ سلجوقی می رسد. این مسجد را امیر خمار - حاکم وقت قزوین - در سال ۵۰۹-۵۰۰ / ۱۱۱۵-۱۱۰۶ بنا کرد و شاه تهماسب اول در شمال این مسجد محراب و شبستان و دو مناره ساخت. انگلبرت کمپفر که در ۱۹۰۶ / ۱۶۸۴، زمان شاه سلیمان صفوی، به ایران آمد هنگامی که از قزوین دیدار کرد، در مدت اقامت در این شهر، چند طرح از سردرب عالی قاپو و خیابان مقابل آن و صحن مسجد جامع و جهه شمالی آن - که به دستور شاه تهماسب ساخته شده بود - تهیه کرد.^(۱)

باغ سعادت آباد و میدان سعادت

شاه تهماسب علاقه داشت باغ وسیعی در جعفرآباد ایجاد کند که در عین حال، در عرصه آن، عمارات و بناهایی که درخور دارالسلطنه جدید باشد، به وجود آید؛ و همت معماران در بدو امر معطوف به این شد که در فضای این باغ نخست خیابانها و چمنها و جدولهای آب پدید آیند. باغ سعادت به شکل مربع در آمد و حصاری در گرداگرد آن کشیده شد. دو خیابان به خط مستقیم از شرق به غرب و از شمال به جنوب باغ به شکلی ساخته شد که در مرکز این مربع به حوض بزرگی تلاقی کنند. در دو طرف خیابانها، جدولهای آب به وجود آمد که جریان آن به حوضی منتهی می شد و در عین حال درختان و چمنهایی را که به صورت هندسی در بین خیابانها ایجاد شده بود، آبیاری می کرد. (عبدی بیگک نویدی، کلیات، ص ۲۵۳-۲۵۲)

در چهارسوی وسط باغ که در تقاطع دو خیابان شرقی و غربی و شمالی و جنوبی است، ارشی خانه یا کاخ چهل ستون قرار داشت. در جلوی ارشی خانه، حوض

توصیف دولتخانه و کاخ‌ها و باغ‌های صفوی در... ۴۷

بزرگی ساخته شد که سرپوشیده بود و چهار ستون این پوشش را نگه می‌داشت. ارشی‌خانه، عمارتی بود زیبا با دیوارها و سقف منقش به تصاویر از پرندگان و حیوانات با دوازده پنجره بزرگ و مشبک و ایوان‌هایی با نقاشی‌های زرنگار (همان، ص ۲۲۳). این بنا که در مرکز باغ سعادت و در تقاطع دو خیابان اصلی باغ به وجود آمده بود، نشیمنگاه اصلی شاه‌تهماسب شمرده می‌شد و همان است که امروز به عمارت چهل‌ستون معروف است و موزه تاریخی شهر در آن قرار دارد. در اغلب منابع صفوی - مانند عالم‌آرای عباسی، تقاوة‌الآثار، جواهرالآخبار، خلاصة‌التواریخ - به دفعات از این عمارت یاد شده است و بعضی آن را محل اجرای مراسم تاجگذاری، مجالس عروسی و پذیرایی از شخصیت‌های خارجی نوشته‌اند^(۲). پیتر دلاواله که ارشی‌خانه را دیده است، می‌نویسد:

در میان باغ، بنای کوچکی با چند طبقه دیده می‌شد و روبه‌روی این بنا استخر بزرگ چهارگوشی بود که در یکی از اضلاع آن، مقابل عمارت، نشیمنگاه مسقفی ساخته بودند. این قسمت شبه‌جزیره‌ای بود در آب پیش‌رفته و از سه جانب مشرف بر آب بود. (پیتر دلاواله، سفرنامه، ص ۲۲-۲۳)

در حال حاضر، چهل‌ستون ساختمانی است دو طبقه که طبقه اول با پله‌های مارپیچی به قسمت دوم می‌پیوندد و چند دیوارنگاره که از زیر گچ بیرون آمده است، بعضی تصویرهای دوران شاه‌تهماسب را نشان می‌دهد (اشراقی: ۱۳۱-۱۴۵). عبدی‌بیگ، در سمت شرقی و غربی ارشی‌خانه، ۲۳ باغ را نام می‌برد. (۱۴ باغ در شرق و ۹ باغ در غرب) و ظاهراً علت این اختلاف این بوده که چون ساخت و ساز عمارات و کاخ‌ها بیشتر در غرب بوده، برای احداث باغ فضای کمتری وجود داشته ولی در بخش شرقی به علت وجود فضای کافی امکان درخت‌کاری و ایجاد باغ بیشتر بوده است. باغ‌ها را - اعم از شرقی و غربی - دولتمردان و یا شخصیت‌های مذهبی ساخته بودند.

1. Pietro Della Valle, *Voyage*.

باغ‌های قسمت شرقی، به گفتهٔ عبدی‌بیگ چنین است:

۱. باغ امام، به میمنت نام امام رضا (ع) - هشتمین امام شیعه - به وسیلهٔ شاه قلی خلیفه ذوالقدر ساخته شد.

۲. باغ میرعلی کسگنی در کنار باغ امام.

۳. باغ و کلاه‌فرنگی که در شمال باغ امام احداث شده است. این کلاه‌فرنگی در تقاطع چهار خیابان تنگ قرار گرفته است.

۴. باغ مرادبیگ در کنار باغ پیشین، در چهار طرف با چهار چمن.

۵. باغ حسن‌بیگ استاجلو. او از سرکردگان و امرای استاجلو بود که به طرفداری از حیدر میرزا در مقابل اسمعیل میرزا برخاست و شکست خورد. ظاهراً نام او حسین‌بیگ است نه حسن‌بیگ.

۶. باغ عبدالله‌خان استاجلو، در کنار باغ سلطنتی. او در عهد شاه تهماسب، از امرای بزرگ محسوب می‌شد.

۷. باغ بدرخان در کنار باغ پیشین با باغچه‌های مربع و مدور.

۸. باغ قورچی‌باشی. قورچی‌باشی بزرگ‌ترین مقام نظامی بعد از شاه و عضو شورای سلطنت که «جانقی» نام داشت.

۹. باغ میرشمس‌الدین علی در کنار باغ پیشین با باغچه‌ها و چمن‌های چهارسو.

۱۰. باغ انگورستان؛ باغی که مخصوص کشت انگور است. (مُوسْتان).

۱۱. باغ حاجی آقا، واقع در پشت باغ قبلی.

۱۲. باغ غریب‌لر، به معنی غریبان یا بیگانگان، در کنار باغ پیشین.

۱۳. باغ فرخ‌زادبیگ. او امیر دربار بود و مقامی بزرگ در دولت صفوی داشت و بنیانگذار آسیاهای آبی در خارج شهر قزوین بود.

۱۴. باغ خواجه قطب‌الدین جامی. (عبدی‌بیگ نویدی، کلیات، ص ۲۵۵)^(۳)

باغ‌ها و چمن‌ها در بخش غربی باغ سعادت:

۱. باغ بهرام‌میرزا: منسوب به بهرام میرزا برادر تنی شاه تهماسب.

محوطه باغ، محصور در باغچه‌های گل و چمن بود و قصری زیبا در آن بنا شده بود موسوم به شیروانی که امروز اثری از آن به چشم نمی‌خورد. این قصر، با کاشیکاری‌های رنگارنگ و ظریف و دیوارنگاره‌ها و کتیبه‌هایی مزین شده بود و پنجره‌های شیشه‌ای متنوع داشت که روشنایی داخل آن را تأمین می‌کرد. مقابل این قصر، حوض آبی بزرگی قرار داشت که پلی بر روی آن ساخته شده بود که اشخاص بتوانند به وسیله آن به سوی دیگر تالار بروند. در این محوطه، یک کلاه فرنگی و در سمت شمالی حوض دکانی تماشایی و دیدنی ساخته شده بود. به گفته عبدی‌بیگ، کارفرما در این قصر فواره‌ای ساخته بود که در آن، آب از لوله‌هایی جریان می‌یافت و فوران می‌زد و به صورت گنبدی درمی‌آمد و منظره زیبایی را به وجود می‌آورد (عبدی‌بیگ نویدی، کلیات، ص ۵۲۱). شاعر در توصیف باغ و عمارت شیروانی، از مرگ بهرام‌میرزا با تأسف یاد می‌کند و پیداست که به هنگام عرضه منظومات جنات عدن، بهرام‌میرزا در حیات نبوده است:

گلشن زینبندۀ بهرامی است	کامده چون خلد برین نامی است
خدمت شهزاده جنت مکان	حضرت بهرام بهشت آشیان
در نظر آب آورد از یاد او	دیده کند باز به اولاد او
رفت اگر آن گل رنگین به باد	شاه فلک مرتبه پاینده باد

(همان)

بهرام‌میرزا در سی‌وسه سالگی فوت کرد. شاه تهماسب از میان برادرانش، علاقه فراوانی به او داشت.

۲. باغ سید بیگ: پهلوی باغ بهرام میرزا قرار داشت، با باغچه‌های مربع. سیدبیگ از صاحب منصبان مهم عصر شاه تهماسب محسوب می‌شد و به قول عبدی‌بیگ، میرنقبا بود.

۳. باغ شاه نعمت‌الله: در کنار باغ پیشین، با باغچه‌های هشت گوش (مثنی) و مدور در این طرف و آن طرف و حوضی بزرگ در سایه درختان چنار.
۴. باغ قاضی ضیاءالدین: در کنار باغ پیشین، با باغچه‌های مثنی (هشت ضلعی).
۵. باغ قاجار: پهلوی باغ قبلی، با باغچه‌های مدور و باغ میوه و گل.
۶. چمن قاسم بیگ: مثنی (هشت ضلعی) با دو جوی آب که در اطراف چمن می‌گذرد، با درختان میوه.
۷. باغ سیدمیرزا: پهلوی باغ پیشین با چمنی که هر طرفش هشت بهشتی است با گلزار و درختان میوه.
۸. باغ گنج قاضی ضیاءالدین: موقعیت مکانی باغ مشخص نیست. باغچه‌ای چهارسو داشت.
۹. باغ مهین بانو سلطانم: موقعیت این باغ مشخص نشده است (همان، ص ۲۵۲). شاه تهماسب این باغ را به دلیل علاقه‌ای که به خواهرتنی خود شاهزاده مهین بانو داشت، به او هدیه کرد. این شاهزاده بانویی صاحب کمال و فاضله و عاقله و به زهد و صلاح و تدبیر آراسته بود. به همین دلیل، شاه تهماسب «جمیع امور ملکی و مالی را به رأی و صوابدید ایشان منوط و مربوط می‌کرد و بی‌مشورت و صلاح و آگاهی او عمل نمی‌نمود. او را ملکه‌ی زمان و بانوی دوران ساخته بود. اوقات با برکاتش همیشه به مطالعه و مباحثه علوم می‌گذشت...» (قمی، ۱۳۸۳: ۴۳۰)
- عبدی بیگ به غیر از ارشی‌خانه یا به اصطلاح چهل‌ستون و عمارت شیروانی، از دو بنای دیگر نام برده است: گنبد منبت‌کاری و عمارت جهان‌نما. براساس گفته شاعر، گنبد منبت‌کاری از پدیده‌های مهم معماری و هنر بوده است. داخل بنا، به گچ‌بری‌های زیبا و شمشه‌ها و دیوارنگاره‌های هنرمندانه مزین بوده و مقرنس‌های اعجاب‌انگیز و گچ‌بری‌هایی که نقش انواع و اقسام گلها را داشته‌اند، بر شکوه و زیبایی صحن منبت‌کاری می‌افزود (عبدی بیگ نویدی، کلیات، ص ۲۶۵-۲۶۴). شاعر در

توصیف دولتخانه و کاخ‌ها و باغ‌های صفوی در... ۵۱

توصیف این بنا، به دو نمونه نقاشی دیواری اشاره می‌کند که یکی از آنها صحنه جنگ قزلباشان با رومی‌ها (همان، ص ۲۶۵) و دیگر صحنه‌ای است از یک شکارگاه. شاعر سربازان قزلباش را با تاج قزلباشی و پرچم سرخ و اسلحه متعارف ایران نشان داده و سربازان عثمانی را با کلاه و لباس سفید و سلاح تفنگ معرفی کرده است (همان) و در صحنه شکار، جوانانی را که سوار بر اسب‌هایی به نام‌های ابلق، سبز خنگ، گلگون و شاهنگ به دنبال شکار در تکاپو هستند (همان، ص ۲۶۶)، نشان داده است و اینکه عبدی‌بیگ نشانه‌هایی از نقاشی دیواری را در کاخ شیروانی و عمارت حرم و جهان‌نما نیز نشان می‌دهد، دلیلی است بر اینکه صحنه‌های نقاشی تنها به کاخ ارشی‌خانه یا چهل‌ستون اختصاص نداشته است. شاعر، در پایان این صحنه‌های نقاشی، از مهارت شاه‌تهماسب در هنر نقاشی سخن گفته و او را استاد تصویرگران معرفی کرده است. قاضی احمد در کتاب *گلستان هنر* نوشته است:

تصویر و کار آن والا گهر بی‌نظیر است و چند مجلس در ایوان چهل‌ستون
دارالسلطنه قزوین است؛ از آن جمله، مجلس یوسف و زلیخا و نارنج‌بری خواتین
مصر و زنان زیبا است. (قمی، *گلستان هنر*، ص ۱۳۷-۱۳۸)

عبدی‌بیگ، گذشته از کاخ‌هایی که ذکر آنها رفت، به سه عمارت دیگر در اشعار خود اشاره دارد: گنبد منبت‌کاری، کاخ جهان‌نما و عمارت حرم. شاعر، گنبد منبت‌کاری را به زیبایی توصیف و این عمارت را با وجود مقرنس‌ها و تزئینات منبت و دیوارنگاره‌ها تحسین کرده است (عبدی‌بیگ نویدی، کلیات، ص ۲۶۹) و از عمارت جهان‌نما که بنای دیگری است، به عظمت و ارتفاع یاد می‌کند و می‌گوید: عمارت جهان‌نما بر سردرب میدان اسب قرار دارد و چشم‌اندازی باشکوه به میدان اسب دارد. ظاهراً شاعر زمانی همراه شاه به بام این قصر رفته و از آنجا تحت تأثیر مناظر و مرایا قرار گرفته است. (همان، ص ۲۶۷)

بنای باشکوه دیگری که عبدی بیگ به آن توجه کرده، عمارت حرم شاهی است با نقش و نگارهایی در داخل عمارت و مناظر دل‌انگیز بیرونی آن با چمن‌ها و گل‌ها و درختانی که اطراف عمارت را فراگرفته بودند. (همان، ص ۲۶۶)

در حاشیه غربی و جنوبی باغ سعادت‌آباد، دو میدان بزرگ وجود داشت که با عرصه‌ای نسبتاً وسیع مکانی را برای مراسم عمومی و نمایش سواری و چوگان‌بازی به وجود آورده بود: یکی، میدان سعادت؛ دیگری، میدان اسب.

میدان سعادت، بزرگ‌ترین میدان قزوین بود که در قسمت غربی باغ سعادت و در مقابل بازار شهر قرار داشت. وسعت این میدان به اندازه‌ای بود که هزاران نفر می‌توانستند در آن گرد آیند. پیتر و دلاواله گزارش می‌دهد:

میدان سعادت، دور از قصر شاهی و در حوالی بازار واقع بود. این میدان گرچه به زیبایی میدان اصفهان نیست، ولی طولش به همان اندازه و عرضش تقریباً یک - سوم آن است. طاق‌نماها همه قدیمی هستند ولی دو قصر کوچک با ایوان‌های متعدد، یکی در این طرف و یکی در آن طرف میدان ساخته شده تا در موقع تماشای چوگان‌بازی از آنها استفاده شود. ایوان یکی از این خانه‌ها با پرده پوشیده شده است و گمان می‌کنم مخصوص حرم‌سرا باشد، زیرا در پشت آن نیز باغچه‌ای است. بزرگ‌ترین عیب میدان این است که چون دیوارهای بازار کوتاه است، دائماً در معرض تابش آفتاب قرار گرفته و فقط اول شب‌ها مردم می‌توانند برای قدم زدن و تفریح به آنجا روی آورند. (پیتر و دلاواله، سفرنامه، ص ۲۹۱)

قاضی احمد درباره وسعت میدان سعادت می‌نویسد: هنگامی که بایزید - پسر سلطان سلیمان عثمانی - از شاه‌تھماسب تقاضای پناهندگی کرد، با ده‌هزار سواران خود وارد ایران شد و پس از ورود به قزوین در میدان سعادت مورد استقبال شاه قرار گرفت:

روز چهارشنبه، بیست و یکم شهر محرم الحرام سنه مذکوره (۹۶۷ ه. ق.)، در میدان سعادت که بعضی از آن الحال بازار و کاروانسرا و حمام شده، به عز ملاقات نواب کامیاب سرافراز شدند. سلطان بایزید با ده هزار سوار مسلح جرّار از موضع

توصیف دولتخانه و کاخ‌ها و باغ‌های صفوی در... ۵۳

نظام‌آباد اقبال راه نصرآباد و شهرستانک از جاده زویار متوجه شده به میدان سعادت درآمد. (قمی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۴۰۶)

تجمع ده هزار سوار مسلح در میدان سعادت، خود دلیلی است بر وسعت این میدان بزرگ.

دومین میدان بزرگ قزوین دوران شاه تهماسب، میدان اسب نام داشت و این همان میدانی است که مقابل سردرب عالی‌قاپو قرار دارد و در حال حاضر بخشی از خیابان سپه (شهدا) محسوب می‌شود که از عالی‌قاپو تا مسجد جامع و دنباله آن تا جنوبی‌ترین قسمت قزوین ادامه دارد. میدان اسب به طوری که از اسمش پیدا است، میدانی بود برای اسب سواری و تشریفات مربوط به سواره نظام و تجمع رسمی. عبدی‌بیگ می‌گوید: میدان اسب به عمارت جهان‌نما ارتباط دارد و این عمارت مشرف به این میدان بوده و از عمارت حرم نیز راهی به میدان وجود داشته است و اشاره می‌کند: میدان اسب، جایی است که مرکب‌های تیزرو در اقسام مختلف در معرض دید شاهانه قرار می‌گرفتند (عبدی‌بیگ نویدی، کلیات، ص ۲۶۲). شاردن می‌نویسد: زیباترین نقاط قزوین عبارت است از میدان شاه که میدان اسب‌دوانی است. درازای آن بالغ بر هفتصد پا است و پهنایش به دویست و پنجاه پا می‌رسد (شاردن، ۵۰۶) و به شکل میدان اصفهان ساخته شده است. پیتر و دلاواله گزارش می‌دهد که «درب شاهی (عالی‌قاپو) که در یک میدان واقع شده، نقاشی نشده و فاقد تزیینات است ولی عظمتی به‌سزا دارد.» (پیتر و دلاواله، ۲۹۰). از آنجا که وجود یک میدان وسیع برای نمایش‌های سواری و چوگان‌بازی و مراسم تشریفاتی در برابر بزرگ‌ترین دروازه ورودی کاخ اصلی سلطنتی ضروری بوده، این میدان همان میدان اسب بوده، محوطه وسیعی که عمارت جهان‌نما و عمارت حرم نیز به آن راه داشته است. افوشته‌ای نظری، در وقایع بعد از مرگ شاه تهماسب، یادآوری می‌کند که طرفداران اسمعیل میرزا - پسر شاه تهماسب - پس از مرگ پادشاه، مانع از خروج حیدر میرزا - پسر دیگر شاه - از دولتخانه شدند تا اسمعیل میرزا را که در قلعه قهقهه

بود، در قزوین به تخت بنشانند و در این حال حسین بیگک یوزباشی استاجلو و سرکردگان دیگر از دروازه پنجه علی که مشرف به عالی بود، خود را به میدان اسب رساندند و درب عالی قاپو را برای نجات حیدر میرزا شکستند... (قمی، ۱۳۸۳: ۲۱)

چنین پیدا است که نام میدان اسب بعداً به میدان شاهی یا میدان شاه تغییر یافته است و ظاهراً این تغییر نام از زمان شاه عباس دیده می‌شود و آنچه درخور توجه است، میدانی است که از نزدیکی عمارت جهان‌نما و عمارت حرم گذشته و در مقابل عالی قاپو، دروازه اصلی دولتخانه به میدان بزرگی تغییر شکل یافته است با عرضی وسیع‌تر از آنچه امروز در خیابان سپه شاهد آن هستیم تا مسجد جامع و آب‌انبار فعلی علی خان در نزدیکی مسجد و بازارچه ضلع شرقی آن ادامه داشته است. شاردن و کمپفر که میدان اسب یا شاه را در دو دوره مختلف مشاهده کرده‌اند، به نوشته‌ای که در سردرب عالی قاپو نصب شده بود، توجه کرده‌اند. شاردن این عبارت را که در لوحه‌ای از طلا در بالای درب ورودی کاخ شاهی نصب شده بود، این‌طور نوشته است: «به عنایت کلمه لا اله الا الله که عقیده و ایمان ما است، این باب همایون، همیشه مظفر و مفتوح باد!»؛ در حالی که در طرح کمپفر، از سردرب عالی قاپو و خیابان مقابل آن که همان میدان شاهی است، با جمله اصلی و صحیح‌تر آورده شده است که یک بیت شعر معروف دوران صفویه بوده است:

گشاده باد به دولت همیشه این درگاه

به حق اشهد ان لا اله الا الله

پی‌نوشت‌ها

۱. از خانم دکتر مهوش عالی که کپی چند سند از کمپفر مربوط به عالی قاپو را در اختیار من گذاشتند، تشکر می‌کنم. کپی‌ها مربوط به *British Library* کتابخانه بریتانیا است.

توصیف دولتخانه و کاخ‌ها و باغ‌های صفوی در... ۵۵

۲. اسکندریگ ترکمان، *عالم آرای عباسی*، به اهتمام ایرج افشار، نسخه عکسی صص ۱۵۶، ۵۱۸، ۵۲۸، ۵۳۲ و...؛ افوشته‌ای نطنزی، *تقاوة الآثار*، به اهتمام احسان اشراقی، ص ۲۷۲؛ بذاق منشی، *جواهرالانخبار*، ص ۳۶۵: خلاصة التواریخ، ج ۱، ص ۵۱.

۳. برای اطلاع بیشتر در مورد توصیف باغ‌های شرقی و غربی، نگاه کنید به:

Dr. Maria Szuppe, *RES ORIENTALES* (III: Palais et Jardins. Le complexe royal des premiers safavides. QNZVIN), pp. 164-167.

Archive of SID

Archive of SID

نقشه دولتخانه قزوین در عهد شاهطهماسب اول و شاهعباس اول

Archive of SID

بنای چهل ستون فزوین

Archive of SID

مسجد جامع قزوین